



شکست

مقدمه‌ای برای شکست‌های بعد

دیوار صوتی
وقتی سرعت هواپیما بیش از سرعت صوت شود، پدیده شکست دیوار صوتی اتفاق می‌افتد و صدای بلندی تولید می‌شود. شکست دیوار صوتی اولین بار در ۱۴ اکتبر ۱۹۴۷ و به وسیله چاک بیگر، خلبان نیروی هوایی آمریکا با هواپیما X-۱ اتفاق افتاد. البته این پدیده به چگالی و رطوبت هوا نیز بستگی دارد....
بی‌خیال اولین لغت چشمم را می‌بندم

نازنین بودری / من شکست عشقی خوردم و موفق نشدم. فقط همین را می‌توانم بگویم. دیوار را نگاه می‌کنم، ترک‌هایش را می‌بینم. چشمم به روزنامه می‌افتد، نمودار بالا، پایین، بورس و ... فکر و خیال‌های بد از سرم بیرون نمی‌روند. می‌روم سراغ کتاب‌ها تا حواسم را از اتفاقات ناامیدکننده به لغت‌های کُشدار و یکنواخت کتاب پرت کنم. کتاب «دست به دهان» جلیویم است؛ گاه‌شمار شکست‌های نخستین پل استر نویسنده کتاب سه‌گانه نیویورک. حوصله نصیحت ندارم. «دست به دهان» را می‌بندم و می‌روم سراغ کتاب‌های دیگر. از میان تمام کتاب‌ها دایره‌المعارف تنها گزینه‌ای است که از دایره انتخابم مردود نمی‌شود، شاید به خاطر اینکه عکس‌های بیشتری دارد!
چشمم را می‌بندم و مدل گرفتن فال حافظ، انگشتم را روی صفحات کتاب می‌کشم. کتاب باز می‌شود و حرف «د» و لغت «دیوار صوتی» می‌آید:

چرا پیروزی اولین عامل توقف است؟

تا پوز رقیب را به خاک بمالیم. سینماگران هم به این موضوع واقف‌اند. چه داستانی بهتر از قصه قهرمانی که شکست می‌خورد و فرو می‌ریزد، و ققنوس‌وار از خاکسترهای جنازه‌اش دوباره متولد می‌شود و مسیر نیمه کاره گذشته‌اش را به پایان می‌برد؟ سینما پر است از فیلم‌هایی که در آن‌ها قهرمان شکست خورده و داغان در پایان پیروز می‌شود. این چیزی است که مخاطب انتظار دارد. هیچ کس دلش نمی‌خواهد **راکی** را در پایان فیلم ناک اوت شده ببیند، یا **وال‌ای** نتواند گیاه را نجات دهد. چه کسی می‌خواهد آخر فیلم برخورد دنیاها جوری تمام شود که فضایی‌ها پیروز شوند و زمین را نابود کنند؟! قهرمان‌ها همیشه به هر جان‌کدنی که هست پیروز میدان‌اند. بیایید آسیب‌شناسی کنیم و ببینیم چه چیزی باعث می‌شود ضد قهرمان شکست بخورد.

کالین در بندیان / می‌گویند «خوش‌شانسی یک نفر یعنی بدشانسی برای نفر دیگر». با کمی تصرف می‌شود به این نتیجه رسید: «پیروزی یک نفر شکست برای نفر مقابل است.» از شرکت‌کنندگان بحث‌های داغ داخل میهمانی‌ها تا بازی مار و پله و رقابت‌های جهانی و جنگ‌ها و درگیری‌های بین ملت‌ها، همه در انتها دو گروه به جا می‌گذارند: گروهی برنده و سربلند که به سمت افق حرکت می‌کنند و گروه دیگری شکست خورده و سرافکنده که به گوشه‌های تاریک می‌روند و گریه می‌کنند. اکثر ما با اینکه تا به حال طعم شکستی بزرگ را که زندگی‌مان را به کلی تغییر بدهد، نچشیده‌ایم، ولی حداقل می‌توانیم بگوییم که با حس حرص بعد از شکست آشناییم.
حسی که باعث می‌شود دست روی زانو بگذاریم و بلند شویم، دمبل بزنیم، درس بخوانیم، رژیم لاغری بگیریم و هزار کار دیگر



واقع نور پس از عبور از این کریستال به دو جهت تابیده می‌شود و با توجه به نورهای تابیده شده، با میزان شکستی متفاوت بازتاب داده می‌شود. از این خاصیت بلور کلسیت در ساخت فیلم و برای کاهش نور چراغ اتومبیل‌ها استفاده می‌کنند.

شکست صوتی، شکست الکتریکی، شکست نور... باور نکردنی بود که هیچ کدام از شکست‌های طبیعی جهان بد نبودند. حتی شکستن لایه‌های زمین با ایجاد زلزله باعث جلوگیری از انفجار می‌شود.

بلورهایی که از بچگی عاشقشان بودم، نه یک بار، بلکه لااقل دو بار در مدت حیاتشان شکست خورده بودند و من داشتم گوشه اتاق غصه شکست عشقی‌ام را می‌خوردم... کتاب‌های زیادی در کتابخانه‌ام وجود دارند. هر کدام به یک نحو به پیروزی و شکست پرداخته‌اند، اما راستش کسی که دلش گرفته و بغض تا سرگلویش آمده از این کتاب‌ها خوشش نمی‌آید.

دایره‌المعارف را فقط به همین خاطر دوست داشتم؛ به این دلیل که دایره‌المعارف با توضیح همان چهار لغت توانست چهل جور مدرک جلوی چشم بگذارد تا باور کنم، شکست از الزامات طبیعت است و انسان - اگر یک موجود طبیعی باشد - طبیعی است در هر سنی به هر دلیلی شکست بخورد....

شیوه این شکست چنین است که اگر به یک مدار الکتریکی، بیش از حد ولتاژ اعمال شود، مدار از کار می‌افتد و ممکن است بر اثر همین اعمال زیاد ولتاژ به یک دی‌الکتریک، به‌طور ناگهانی تخلیه الکتریکی صورت گیرد...

به آخرین باری که زیر رعد و برق راه می‌رفتم فکر می‌کردم. برعکس همیشه نترسیدم. آن صدای وحشتناک که آمد، یک لحظه تمام تنم لرزید. اما به راه رفتن ادامه دادم و حتی سرم را بالا نیاوردم تا به آسمان بد و بیراه بگویم. احتمالاً قیافه‌ام شبیه کاراکترهای اصلی سریال «هشدار برای کبرا یازده» شده بود؛ وقتی دست‌ها را به اندازه عرض شانه باز کرده‌اند و از دل آتش بیرون می‌آیند! آخرین باری که از رعد و برق نترسیدم، اولین باری بود که از خاکستر نشدن خودم احساس قدرت کردم...

شکست دوگانه

فرض کنید وقتی با یک «بلور» کلمات روی یک کاغذ را مشاهده می‌کنیم، دو تصویر ببینیم. انگار کلمات سایه داشته باشند. به این خاصیت «دو شکستی» می‌گویند. بلور کلسیت دارای خاصیت دو شکستی است. این خاصیت اولین بار در قرن ۱۷ توسط بار تولینوس کشف شد. در

و دوباره تفأل دایره‌المعارف می‌زنم. لغت «صاعقه» می‌آید.

صاعقه

گاهی بر اثر تخلیه ناگهانی الکتریکی در هوا که ناشی از ازدیاد ولتاژ الکتریکی است، «صاعقه» پدید می‌آید. به این پدیده «شکست الکتریکی» نیز می‌گویند. شکست الکتریکی را در رساناها، مواد عایق، و نیمه‌هادی‌ها مشاهده می‌کنیم.

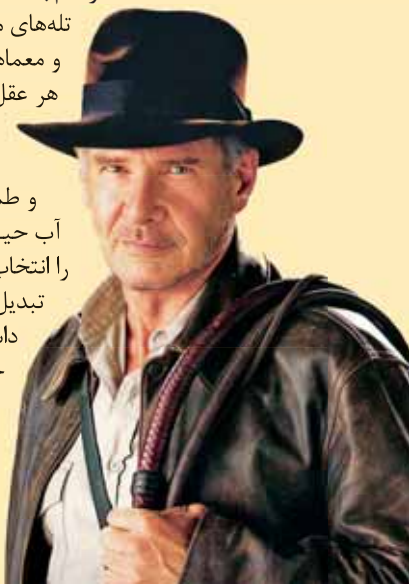


۲ بین ستاره‌ای دکتر من

شخصیت منفی فیلم نولان، دکتر من، عجول‌ترین دانشمندی است که دیده‌ام. آن همه سال تک و تنها توی سیاره‌ای خالی از سکنه و امکان حیات زندگی کرد. آن همه سال منتظر بود، آن همه سال به خواب مصنوعی فرو رفت و صبر کرد. آن وقت آخر کار وقتی که همه برگ‌های برنده را در دست داشت، منفجر شد. می‌پرسید چرا؟ چون عجله کرد. دکتر من اگر کمی، فقط کمی صبر می‌کرد، یک نفس عمیق می‌کشید و درست فکر می‌کرد قطعاً پایان فیلم جور دیگری تمام می‌شد. درست است که زنده ماندنش به قیمت نابودی بشریت تمام می‌شد، اما حداقل زنده می‌ماند...

۱ ایندیانای جونز و آخرین جنگ صلیبی والتر داناوان

فرض کنید شما والتر داناوان باشید، در آخر فیلم و پدر ایندیانای جونز را که شکمش را با گلوله شکافته‌اید، گروگان دارید. تفنگتان را هم به سمت خود ایندیانای نشانه رفته‌اید. همه تله‌های مسیر را هم به کمک او گذرانده‌اید و معماها را حل کرده‌اید. با این شرایط هر عقل سلیمی می‌گوید برنده میدان و صاحب جام مقدس و آب حیات شما هستید. اما امان از حرص و طمع. والتر داناوان اگر کمتر برای آب حیات حرص می‌زد و عاقلانه جام را انتخاب می‌کرد، الان نه تنها به اسکلت تبدیل نشده بود، بلکه زندگی جاوید هم داشت. پس یادتان باشد آخر مسیر حرص نزنید!



غول‌هایی که قلنجشان شکست

زهرافرنیا // این جمله را که شکست مقدمه پیروزی است، همه ما هر روز هزاران بار می‌شنویم، اما بیایید از یک زاویه دیگر به داستان نگاهی بیندازیم. بسیاری از شکست‌ها اثرات جبران‌ناپذیری به بار آورده‌اند و پس از آن از بسیاری از افراد، شرکت‌ها و طرح‌ها، هیچ چیز به جز داستان شکستشان باقی نمانده است... قرار نیست ته دلتان را خالی کنیم، اما این چند خط را بخوانید تا داستان بیاید که فاجعه یک تجدیدی آوردن به هیچ وجه قابل مقایسه با شکست غول‌های دنیا که یک شبه به کثلت تبدیل شدند، نیست. آنچه در این صفحه خواهید خواند، ترجمه‌های جسته گریخته از یک سری سایت است که بدبختی مردم را در ویرترین گذاشته‌اند تا آینه عبرت شود!

بدشانسی دو غول در ژاپن

شکست کسب و کارهای کوچک کمتر سر و صدا می‌کند. بعد از جنگ جهانی دوم در ژاپن بسیاری از خانه‌ها برق داشتند، اما لوازم برقی نه. دو فرد به نام‌های مازار و آکیو با استفاده از این موقعیت تصمیم به ساخت پلویز گرفتند. ایده بسیار خوبی بود، اما اشتباه اجرا شد. پلویز ساخته شده یا برنج را می‌سوزاند و

یا برنج نمی‌پخت، به خاطر همین این محصول کمتر از ۱۰۰ دستگاه فروش کرد. بعد آن‌ها شروع به ساخت رادیوی ترانزیستوری قابل حمل کردند که پس از مدتی «شرکت سونی» با ایده‌گیری از این محصول، به‌طور رسمی ساخت لوازم خانگی را آغاز کرد و به موفقیت چشمگیری دست یافت. در اصل آکیوموریتا و مازارایبوکا با همین ایده شرکت سونی را تأسیس کردند!



آکیوموریتا

شکست غول‌های فیلم‌سازی

در سینمای جهان کمپانی‌های فراوانی وجود دارند که تهیه‌کنندگی فیلم‌ها و سریال‌ها را بر عهده می‌گیرند؛ مانند «کمپانی دیزنی» (که خود والت دیزنی سازنده این کمپانی، پس از شکست‌های پی‌درپی در فعالیت‌های پیشینش، این کمپانی را تأسیس کرد و از نمونه‌های درخشان موفقیت است). معمولاً اگر فیلمی توسط کمپانی دیزنی ساخته شود، در هفته اول فروش، کل هزینه‌های ساخت و تبلیغات را به سرمایه‌گذار برمی‌گرداند، اما برای «مریخ مادرانش را نیاز دارد» (Mars Needs Moms) این اتفاق نیفتاد. هزینه ساخت و بازاریابی این انیمیشن فضایی با موضوع خانواده ۱۵۰ میلیون دلار برآورد شده بود که تنها ۳۹ میلیون دلار فروش کرد و شکست بی‌سابقه‌ای را برای کمپانی دیزنی رقم زد. «جزیره کات تروت» نیز فیلمی بود که با همکاری فرانسه، آلمان و آمریکا توسط کمپانی معروف «متروگلدن مایر»، خالق تام و جری، ساخته شد. فیلمی که با هزینه حدود ۱۰۰ میلیون دلار تنها ۲۰ میلیون دلار فروش کرد و آغازی برای ورود این کمپانی به بحران مالی بود.

۳

گنگ‌فو پاندا یک تایلانگ

یکی از دوستان عاقل‌م می‌گفت: «پیروزی مقدمه‌ای است بر شکست». کسی که هی پیروز شود و هی پیروز شود و باد به غیغ بیندازد، آخر به جایی می‌رسد که غیغش آن قدر پف می‌کند که می‌ترکد و کار دستش می‌دهد. تایلانگ هم نمونه خوبی از این دسته از آدم‌هاست. تایلانگ هم هیکل ورزشکاری‌تری از پو داشت، هم گنگ‌فو را بهتر بلد بود، هم پنجه‌های تیزتری داشت. اینکه چرا شکست خورد، به این برمی‌گردد که ایشان از فرط غرور اصلاً احتمال نمی‌داد که پو فن انگشت موشی را بلد باشد. این شد که انگشت کوچکش را بی‌دفاع رها کرد و همان مقدمه شکستش را چید. پس هیچ وقت مغرور نشوید. حریف را هم دست کم نگیرید. یک وقت دیدید یک پاندا ضربه فنی تان کرد!



۴

وال‌ای اتو رایانه مرکزی سفینه

اگر لقب با احساس‌ترین شخصیت تاریخ را به وال‌ای ندهیم، در حقش اجحاف شده است. وال‌ای یکی از مهربان‌ترین و معصوم‌ترین شخصیت‌هایی است که دیده‌ام. با همه راحت دوست می‌شود و با مهربانی بی‌منتش در دل همه جا باز می‌کند. در مقابل اتو را نگاه کنید که با منطقی مردود و رفتاری خالی از هر گونه احساس، سعی می‌کند دستوراتی را که مدت‌ها قبل گرفته است، اجرا کند. رایانه مرکزی سفینه اگر کمی مهربانی یاد می‌گرفت و چند دوست برای خودش پیدا می‌کرد، شاید می‌توانست پیروز میدان باشد؛ افسوس که دوستی نداشت.



V

نجات غول در مرحله آخر!

شکست‌هایی نیز وجود داشته‌اند که به سرعت برایشان جایگزین پیدا شد و بسیار سریع جلوی ضررشان را گرفتند. نظیر «سیستم عامل ویستا» که قرار بود جایگزین «ویندوز XP» شود، اما بسیار حجیم و پر از باگ بود. به همین خاطر نه تنها از آن استقبال نشد، بلکه خریداران از «شرکت مایکروسافت» به خاطر این دروغ بزرگ شکایت کردند. اما مدتی بعد شرکت مایکروسافت ویندوز هفت را معرفی کرد که به یکی از موفق‌ترین سیستم‌عامل‌های جهان تبدیل شد. همچنین اگر فیلم استیو جابز را دیده باشید، متوجه ورشکستگی‌ها و مشکلات مالی پی‌درپی «شرکت اپل» شده‌اید. زمانی شرکت اپل در رقابت با مایکروسافت هیچ چیز برای گفتن نداشت، اما با ایده‌های جدیدش برای مقطعی به موفق‌ترین کمپانی غرب تبدیل شد.



Microsoft

پس همان‌طور که می‌بینید، شکست‌ها همیشه لزوماً خوب یا لزوماً بد نیستند. در مواقعی انسان را بی‌باک‌تر می‌کنند و باعث می‌شوند فکرات جدیدی به سرش بزنند. گاهی عامل موفقیت‌های بزرگ دیگران می‌شوند و گاهی هم افراد را به افسردگی و گوشه‌گیری می‌کشانند. هیچ‌کدام از آدم‌های دنیا همیشه برنده نبوده‌اند. پس درست باختن را یاد بگیریم....

III

شکست غول‌های

پروژه فضایی مدار گرد آب و هوای مریخ



پروژه فضایی «مدار گرد آب و هوای مریخ» (Mars Climate Orbiter)

در سال ۱۹۹۸ با هدف تحقیق روی سیاره مریخ طراحی و اجرا شد. این پروژه به‌طور کلی حدود ۲۰۰ میلیون دلار خرج داشت، اما مدتی پس از ارسال، در فضا ناپدید شد. علت این ناپدید شدن، ضعف در سیستم جهت‌یابی بود؛ اشتباهی کوچک اما در ابعاد بزرگ. ضعف آن به دلیل اشتباه در اندازه‌گیری گزارش شد که براساس سیستم امپریال (مایل بر ثانیه) تنظیم شده بود. آن هم در صورتی که اکثر محاسبات علمی بر اساس سیستم متریک است. البته این شکست و بسیاری دیگر از شکست‌های علمی موجب می‌شوند که دانشمندان یک اشتباه را تکرار نکنند و از این جهت مفید است، اما سال‌ها تلاش و هزینه را بر باد داد.

IV

شکست یک نرم‌افزار غول

سیستم «سابر» (sabre)، نرم‌افزاری که به وسیله آن پروازهای «شرکت هواپیمایی امریکن ایرلاینز» به‌صورت اینترنتی رزرو می‌شد و اطلاعات تمام پروازهای این شرکت در آن قرار داشت، به مدت یک‌روز به خاطر باگ نرم‌افزاری از دسترس مسافران و کاربران ایرلاین خارج شد. این اتفاق باعث شد، ۴۰۰ پرواز این خط هوایی لغو شود. مدتی بعد به خاطر همین مشکل، امریکن ایرلاینز اعلام ورشکستگی کرد و با «یواس ایرلاین» (Us airlines) ادغام شد. از سیستم سابِر در چندین ایرلاین دیگر هم استفاده می‌شد، اما این مشکل در هیچ‌یک دیده نشد.

Sabre

5

هری پاتر
لرد ولدمورت

می‌گویند آدم عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود، ولی انگار «اسمش رو نبر» را نباید جزو دسته عاقلان به حساب بیاوریم. با اینکه یک بار «لرد تاریکی» شد و دید که آخر و عاقبت ندارد و سرنوشت چطور با ستمکاران تا می‌کند و چگونه فقط با یک طلسم ساده نابود شد، باز هم برایش درس عبرت نشد. وقتی که سلامتی‌اش را به دست آورد، باز هم دنبال همان کار و به همان روش قبلی رفت. لرد ولدمورت اگر کمی عقل داشت، با آن همه جادویی که بلد بود، یک مدرسه غیرانتفاعی جادوگری می‌زد بغل دست هاگوارتز، آن وقت شاگردهای هاگوارتز همه می‌رفتند آنجا و دامبلدور ورشکست می‌شد و خودش هم به نان و نوایی می‌رسید. اما او به همان روش قبلیش ادامه داد و باز هم پکید. حداقل اگر می‌خواهید کاری که در آن شکست خورده‌اید را دوباره امتحان کنید، از روش‌های جدیدتر استفاده کنید!